

وقایع کربلا در یوسفیه حاج میرزا هادی نایینی

پروین تاج‌بخش*

چکیده

مرثیه در ادب فارسی سابقه‌ای دیرینه دارد. سرودن مرثی و مناقب برای ائمه اطهار، به‌ویژه امام حسین (ع)، در دوره صفویه و قاجار رونق بسیار داشت. حمایت دربار از سوگ‌سروده‌های مذهبی سبب شد بسیاری از شاعران و نویسندگان در این زمینه طبع‌آزمایی کنند. یکی از مرثیه‌سرایان پرکار و کم‌شناخته دوره قاجار حاج میرزا هادی نایینی است که در قرن سیزدهم هجری قمری می‌زیست. از زندگی وی اطلاعات دقیقی در دست نیست، ولی آثار فراوانی از وی به جا مانده است. این پژوهش ویژگی‌های یوسفیه، اثر میرزا هادی نایینی را بررسی می‌کند. وی این اثر را در بیست مجلس نوشته و به نظام‌الدوله معروف به صدر تقدیم داشته است. نشر نایینی در متن، ساده و در مقدمه به آرایه‌های ادبی آراسته است. مؤلف در یوسفیه، داستان حضرت یوسف (ع) را با وقایع جان‌سوز کربلا تطبیق و تلفیق کرده، در آخر هر مجلس درباره امام حسین (ع) و خاندانش مرثیه‌سرایی می‌کند. نایینی در بخش‌های منظوم و منثور اثر خود بر اثبات برتری شخصیت‌های واقعه کربلا، به‌ویژه امام حسین (ع)، تأکید می‌ورزد. مطالعه مرثیه‌های نایینی برای بررسی سیر تطور مرثیه‌سرایی در ایران لازم می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: یوسف (ع)، حسین (ع)، یوسفیه، نایینی، مرثیه.

مقدمه

«رثا» در لغت گریستن بر مرده و ذکر نیکی‌های او است و مرثیه نوعی شعر است که به یاد مرده و در ذکر محاسن او و تأسف از مرگ وی سروده می‌شود؛ خصوصاً اشعاری که در ذکر مصائب و شرح شهادت پیشوایان دین و شهیدان کربلا باشد (دهخدا، ۱۳۷۲: ذیل واژه «مرثیه»).

مرثیه در ادب فارسی سابقه‌ای دیرینه دارد. در دوره‌های مختلف تاریخ ایران مرثیه‌سرایی و منقبت‌گویی به عنوان یکی از گونه‌های شعر در ادبیات ما جایگاه ویژه‌ای داشت، اما در دوره صفویه و قاجار این سروده‌ها بیش از هر دوره دیگری رواج یافت. محتشم کاشانی، شاعر دربار شاه‌طهماسب صفوی، بزرگ‌ترین مرثیه‌سرای مذهبی این دوره است که ترکیب‌بند معروف وی درباره واقعه جان‌گداز کربلا از پرسوزترین رثاها است. قصیده محتشم تا به امروز بر قله مرثیه‌سرایی ایران تکیه زده و شاعران فراوانی از آن تقلید کرده‌اند. از دیگر مرثیه‌سرایان این عصر می‌توان به وحشی بافقی، بابا فغانی شیرازی، اهلی شیرازی و ضمیری اصفهانی اشاره کرد. در اواخر دوره قاجار نیز توجه دربار به سوگواره‌های مذهبی و استقبال عموم مردم از آن سبب شد بسیاری از شاعران و نویسندگان در این زمینه طبع‌آزمایی کنند. از مرثیه‌سرایان این عصر وصال شیرازی، سروش اصفهانی، محمودخان ملک‌الشعرا و یغمای جندقی را می‌توان نام برد. مرثیه‌های این دو دوره، بخش عظیمی از ادب فارسی را به خود اختصاص داده‌اند (نک: رستگار فسایی، ۱۳۷۳: ۱۷۷).

به نظر امامی، می‌توان مرثیه را به انواع زیر تقسیم کرد: درباری، شخصی، مذهبی، فلسفی، اجتماعی، و داستانی (امامی، ۱۳۶۹: ۳۶۰). به گفته رزمجو، از قرن هفتم هجری شاعران پارسی‌گوی، اعم از سنی و شیعه، برای اهل بیت مرثیه‌سرایی کرده‌اند. سیف فرغانی با اینکه سنی حنفی بوده درباره واقعه کربلا قصیده‌ای سروده است (نک: رزمجو، ۱۳۷۲: ۱۰۶)، با مطلع:

ای قوم در این عزا بگریید بر کشته کربلا بگریید

در هر دوره از تاریخ ادبی ایران، برخی انواع بیش از بقیه، توجه شاعران و نویسندگان را به خود جلب کرده و به گفتمان مسلط آن دوره تبدیل شده است. یکی از گونه‌های ادبی رایج قرن ۱۲-۱۴ مرثیه‌سرایی است. فرامرز حاج‌منوچهری یکی از شاخصه‌های اصلی قرن دوازدهم به بعد را جریان کلی پُرنویسی درباره امام حسین (ع)

می‌داند. یعنی فارغ از جریان‌های مختلف، فراوانی و انبوهی تألیف در این دوره کاملاً آشکار است. گرایش به مجلس‌نویسی نیز از ویژگی‌های آثار مدون در قرن ۱۴ است. در این زمان برخی از نویسندگان با چرخشی از حماسه‌نویسی به سمت تلطیف مفاهیم مربوط و نیز قرارداد آنها در قالب‌های قصه و داستان، آثاری را با عنوان کلی «یوسفیه» تدوین کردند. میرزا هادی بن شریف نایینی، متخلص به هادی، و محمد علی بن زین‌العابدین علویچه‌ای در آثار خود به انطباق قصه یوسف و زلیخا با حوادث کربلا و شهادت امام حسین (ع) و یارانش پرداختند. در سده اخیر، تألیف درباره امام حسین (ع) تحولات بسیاری داشت و با رویکردهای سیاسی و اجتماعی همراه شد (حاج منوچهری، ۱۳۹۱: ۲۰/۷۱۰-۷۱۳).

۱. معرفی مؤلف

حاج میرزا هادی، فرزند میرزا محمدحسن نایینی، از نویسندگان و شاعران قرن سیزدهم هجری بود. از تاریخ ولادت و زندگی او اطلاعی در دست نیست. از تذکره ثمر صفهانی، اثر میرزا سید حسین طباطبایی، چنین برمی‌آید که وی از بزرگان نایین بود و منصب وزارت نایین و اردستان را به عهده داشت. او در آن دوره چندین کتاب تألیف و به نظام‌الدوله تقدیم کرد. در این تذکره، به برخی تألیفات میرزا هادی نایینی اشاره شده است (نک: طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲۱۸-۲۱۹). در تذکره سخنوران نایین، اثر جلال بقایی نایینی، می‌خوانیم: «اما حاج میرزا هادی راثنی، پسر دوم میرزا محمد وزیر، از وعاظ درجه اول چند کتاب در ذکر مصائب خاندان عصمت و طهارت و مدایح و مناقب آن بزرگواران تألیف نموده و اشعاری از خود در آنها درج کرده» (بقایی، ۱۳۶۱: ۴۷). در تذکره‌ها تخلص وی را «راثنی» گفته‌اند (همان). وی گاه در شعر «هادی» تخلص می‌کرد. چنان‌که در یوسفیه می‌گوید:

هادیا در مدح او کردی قیام تا قیامت کی شود مدحش تمام

(نایینی، بی تا الف: ۱۲۷)

برخی آثار وی عبارت‌اند از: مقدمات الستة یا عالم زر؛ لسان الذاکرین؛ انیس العارفین؛ حدیقه الوزراء؛ مختارنامه؛ سرور العارفین؛ مناسک؛ تجلی؛ رساله سلیمانیه؛ یوسفیه (نک: طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲۱۹؛ بقایی، ۱۳۶۱: ۴۷).

معرفی یوسفیه

علاوه بر نسخه ای از یوسفیه، که به سبب خط خوش در تهران به چاپ سنگی رسید و در کتابخانه ملی ایران می توان به آن دست یافت، شش نسخه دیگر از یوسفیه در دسترس است که یک نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و دو نسخه در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود است. یکی دیگر در کتابخانه مسجد اعظم قم و یکی هم در کتابخانه وزیری یزد نگهداری می شود. در کتابخانه مرعشی قم نیز میکروفیلمی از یوسفیه وجود دارد. به تاریخ تألیف یوسفیه در هیچ یک از نسخ اشاره نشده است. ارجاعات درون متنی این مقاله بر اساس نسخه موجود در دانشگاه تهران خواهد بود. این نسخه به شماره ۵۷۶۴ در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران نگهداری می شود. کاتب آن را در ۶۷ برگ ۱۵ سطری به خط نستعلیق نوشته است. برای استنساخ از کاغذ فرنگی استفاده شده و جلد آن تیماج مشکی لایی ربعی با قطع ربعی است. عنوان و نشان شنگرف نسخه بسیار خوش خط است. آغاز نسخه: «بسم الله الرحمن الرحيم و به تفتی، حسن عشق آفرین محبوبی در نظر صاحب نظران جلوه گر است که یوسف را در صباخت و حید، و احمد را در ملاحظت فرید آفرید»؛ انجام نسخه: «چون ز چاه آمد برون آن سرفراز/ گشت شاه مصر قرب بی نیاز» (دانش پژوه، ۱۳۵۷: ۸۵). عیب این نسخه افتادگی چند صفحه از آن است که بیان مواصلت یوسف و زلیخا در آن نیامده است. نگارنده در ارجاعات مربوط به آن فصل از نسخه موجود در کتابخانه مجلس استفاده کرده است. این نسخه به شماره ۸۷۲۲ در جلد ۲۸ فهرست نسخ خطی به ثبت رسیده است (نک: حسینی اشکوری، ۱۳۸۸: ۲۲۵). شیخ آقابزرگ طهرانی، در کتاب *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، به نایینی و اثرش اشاره کرده است (الطهرانی، ۱۳۵۷: ۲۵، ۳۰۱).

اگرچه نام کتاب یوسفیه است مخاطب از همان آغاز کتاب، یعنی حمد خدا و نعت پیامبر، خود را با دو روایت مواجه می بیند: احسن القصص که قصه نموده های مختلف نفس انسانی و مبارزه با آنها است؛ و واقعه کربلا که تجلی رشادت و جانبازی امام حسین (ع) و یارانش در برابر فرعون زمان است. نویسنده در این اثر، سختی هایی را که یوسف (ع) در زندگی تحمل کرد با مصائب امام حسین (ع) برابر هم می نهد و شخصیت های دو روایت را مقایسه می کند. این تطبیق در بیست مجلس انجام گرفته

است که معمولاً سخن مؤلف با نقل قصه یوسف آغاز و با توصیف ستم‌هایی که مخالفان امام حسین (ع) بر خاندان وی روا داشتند پایان می‌پذیرد. نایینی به اصل روایت یوسف (ع)، که در قرآن آمده، و رویدادهای کربلا، که در کتب معتبر ذکر شده، پای‌بند است. هنر او در تصویر این وقایع یافتن نکات مشترکی است که دو روایت را به هم پیوند دهد و زمینه مرثیه‌سرایی را فراهم کند. او در تمام وجوه امام حسین (ع) و خاندانش را بر حضرت یوسف (ع) برتر می‌داند. طباطبایی در تذکره ثمر پس از معرفی میرزا هادی نایینی درباره مرثیه‌سرایی و ماتم‌نگاری وی می‌نویسد:

نظر به ملاحظه اخلاص و عقیدت و بندگی و ارادت سرکار صدرات نسبت به سرور شهدا و خامس آل عبا چنان یافت که اگر به خدمت ماتم‌نگاری و تعزیت‌سرایی سرور مظلومان و شاه تشنه‌لبان گراید مورد التفات و خشنودی دو حسین آید. از این، گنج شایگان خواهد گرفت و از آن، جنت به رایگان، اقدام به این خدمت را بر سایر خدمات ترجیح داد (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲۱۸-۲۱۹).

۲. ویژگی‌های ادبی عصر نایینی

در دوره قاجار، شاعران آثار پیشینیان را سرمشق کار خود قرار دادند. نهضتی در شعر برای بازگشت به سبک قدما پدید آمد که بعدها «بازگشت ادبی» نام گرفت. در این عصر، کلام منظوم همچنان غلبه دارد و نثرنویسی در درجه دوم اهمیت است. نثر این دوره نیز تقلیدی از سبک و روش پیشینیان است (آرین‌پور، ۱۳۷۲: ۴۶).

از میان انواع شعر، شعر مذهبی در این دوره رواج فراوان داشت و پادشاهان دوره قاجار به سبب اعتقادی که داشتند در رونق آن کوشیدند. بنا بر قول تذکره ثمر نایینی نیز «شبی در یکی از محافل که مجمع اشراف بود مجلسی از ذکر شهادت سرور شهدا را مقروء سمع و مفروض رأی حضرت دستور و نوآب فخرالصدر داشت و مقبول افتاد و نوازشات کثیر و صلوات خطیر یافته امر و مقرر گردید که پنجاه جلد از آن کتاب نوشته گشته بر کافه مؤمنین و عامه مسلمین موقوف شود» (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲۱۸). در ادب فارسی، علاوه بر نظم، مرثیه به نثر هم سابقه دارد، اما مرثیه منظوم

۳. ویژگی‌های اثر نایینی

شیوه نگارش نایینی جز در مقدمه یوسفیه، ساده و بی‌تکلف است. او از میان آرایه‌های ادبی از سجع بیشترین بهره را می‌گیرد. کاربرد تشبیهات ساده و استعاره‌های مصرحه، نوشتن فعل استمراری به سبک و سیاق گذشتگان، گنجانیدن عبارات عربی در میان عبارات فارسی به مقتضای کلام از خصوصیات سبک نوشتاری او است. نایینی با استناد به کتب تفسیر متقدمان، مانند تفسیر نسفی و معالم التنزیل فراء بغوی^۱ از روایان حدیث به کلام خود اعتبار می‌بخشد (نک: ابن خلکان، ۲۰۰۵: ۱۳۶-۱۳۷). او سروده‌های شاعرانی چون مولوی و امیر خسرو دهلوی را در اثر خود نقل می‌کند. نایینی یک بار نیز از جامی^۲ یاد می‌کند و بر سخن شاعرانه او در منظومه یوسف و زلیخا خرده می‌گیرد (نک: نایینی، بی تا الف: ۶۰). مؤلف با ذکر آیات و احادیث در متن یوسفیه، آن را از یکنواختی بیرون می‌آورد. تدوین اثر به شکل منظوم و منثور از تسلط وی در مرثیه‌گویی حکایت دارد. نایینی در این کتاب ۳۳۹ بیت شعر آورده است که ۴ بیت آن متعلق به مولوی (از دفتر اول و سوم) و یک مصرع آن از دیوان اشعار امیر خسرو دهلوی (غزل ۹۸) است. نیز دو بیت فارسی (!) از عابس بن شیبب شاکری^۳ نقل می‌کند که در انتساب آن به خطا رفته است. باقی اشعار سروده خود او است که بیشتر در قالب مثنوی و بحر رمل سروده شده است. «رمل آهنگی آرام و در عین حال متین و خوش دارد و می‌تواند ترنم‌های مصیبت‌زدگان دل‌سوخته را به نیکویی منعکس کند» (امامی، ۱۳۶۹: ۸۰). دیگر محور عروضی که مؤلف به آنها توجه داشته به ترتیب بسامد عبارت‌اند از: بحر هزج، مضارع، متقارب، خفیف. در یوسفیه گاه رباعی و قطعه نیز دیده می‌شود.

۴. تطبیق و تلفیق قصه یوسف (ع) با وقایع کربلا در یوسفیه

هر اثری بازتاب باور و اندیشه نویسنده آن است. نحوه ماتم‌سرایی نایینی در یوسفیه نشان می‌دهد که وی از شیعیان متعصب زمان خود بوده است. مؤلف در مقدمه با تضمین بیتی از مولوی (خوش‌تر آن باشد که سر دلبران / گفته آید در حدیث دیگران) خاطر نشان می‌کند که می‌خواهد داستان یوسف (ع) را بگوید اما: «حرف یوسف هست نقلی مستعار» (نایینی، بی تا ب: ۸۱) یا: «داستان یوسف اندر جمله فصل الخطاب / سوره و صنف حسین آمد کلام حق تمام» (همو، بی تا الف: ۱۰۱). بدین ترتیب او از روایت این

قصه هدف دیگری دارد؛ هدف او ذکر فضایل امام حسین (ع) و یاران او است. او قصه یوسف (ع) را بهانه‌ای برای این کار قرار می‌دهد:

من به نقل یوسفم اندر سخن هست مقصودم حسین ای مؤتمن
ای حسین ای یوسف مصر وفا صد هزاران یوسفت بادا فدا

(همو، بی تا الف: ۲)

بررسی جلوه‌های هنری قصه یوسف (ع) و وقایع کربلا از دیرباز محل توجه شاعران و نویسندگان بوده است. نایینی می‌کوشد با یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در زندگی حضرت یوسف (ع) و امام حسین (ع) و برجسته کردن آن تفاوت‌ها، نقل دو روایت را جذابیت بخشد. نقل هم‌زمان دو سرگذشتی که قرن‌ها از هم فاصله دارند کنجکاو و شوق همراهی را در خواننده برمی‌انگیزد که به استدلال‌های ذوقی و ادبی نایینی گوش دهد. در بسیاری از این دلایل، اغلب نویسنده در داستان حضرت یوسف (ع) کلیدواژه‌هایی را برمی‌گزیند و از آن پلی می‌سازد برای پیوند به واقعه کربلا. خواننده در همان آغاز، بعد از مطالعه مقدمه یوسفیه، به شیوه نقل روایت و نیت و هدف نویسنده پی می‌برد. این مسئله از همان مجلس اول که مؤلف شأن نزول سوره یوسف را بیان می‌کند، پیدا است. «در تفسیر نسفی است که چون جبرئیل امین از حضرت رب‌العالمین خبر محنت اثر شهادت امام حسن و امام حسین علیهما السلام را به حضرت سید المرسلین آورد و بسیار شد حزن و اندوه حضرت رسالت (ص)، حق تعالی سبحانه و تعالی به جهت تسلی خاطر آن حضرت سوره مبارکه یوسف را به آن حضرت نازل فرمود» (همان: ۳).

شخصیت‌های دو روایت، که نویسنده در متن یوسفیه آنها را مقایسه کرده، به قرار زیر است:

حضرت یعقوب (ع) و حضرت محمد (ص)؛ حضرت یوسف (ع) و حضرت محمد (ص)؛ حضرت یوسف (ع) و امام حسین (ع)؛ حضرت یوسف و امام زین‌العابدین (ع)؛ حضرت یوسف و علی اکبر (ع)؛ دنیا خواهر یوسف (ع) و حضرت زینب (ع)؛ زلیخا و خدیجه (ع)؛ ابوالفضل (ع) و ابن‌یامین؛ برادران یوسف و قاتلان شهدای کربلا. شروع هر دو روایت با حزن همراه است. یعقوب با هجر یوسف حزنی چهل‌ساله را باید تحمل کند. آگاهی از خبر شهادت حسن و حسین (علیهما السلام) نیز

دل حضرت رسول (ص) را از غم و اندوه آکنده می‌کند. پس حزن عنصر اصلی دو سرگذشت است. در قصه یوسف، علاوه بر حزن، ترس نیز دیده می‌شود. اما در امام حسین (ع) و یاران وی نشانی از ترس نمی‌بینیم. در این قسمت برخی کلیدواژه‌ها را، که واسطه پیوند دو روایت‌اند، بررسی می‌کنیم:

۱. **حبّ:** «ای شیعیان! محبت یعقوب به یوسف سبب آن شد که برادرانش به چای افکندند و محبت محمد مصطفی (ص) یا امام حسین (ع) سبب آن شد که آن حضرت را با اصحاب و اقارب در وادی کربلا به ناحق کشتند و حرم او را اسیر کردند و شهر به شهر و دیار به دیار گردانیدند» (همان: ۵).

۲. **گرگ:** «یوسف را برادران بردند و تهمت به گرگان بی‌گناه زدند. امام حسین (ع) را منافقان کوفه طلبیدند و به دست گرگان مردم‌خوار دادند» (همان: ۶). نایینی در این باب می‌سراید:

گرگ یوسف‌خوار خود بودند و بود گرگ بدنام از دروغ آن گروه
(همان: ۱۱۵)

۳. **پیراهن:** «ای عزیزان! پیراهن یوسف را برادران از تن او بیرون کردند و به خون بزغاله آلودند و به نزد پدر بردند و گفتند گرگ او را درید. پیراهن سرور مظلومان را گرگان کوفه و شام با سوزن تیر و رشته سنان پاره‌پاره بلکه صدپاره دوختند و با هزار و نهصد و پنجاه رخنه از او کردند و از کربلا به کوفه و شام بردند» (نایینی، بی‌تا الف: ۱۹). در قصه یوسف، ماجرا با پیراهن یوسف آغاز می‌شود و پایان می‌پذیرد. در شروع قصه، پیراهن آغشته به خون یوسف نمایش حسد برادران او است و سبب‌ساز فراق پدر و پسر. در پایان قصه، پیراهن یوسف بینایی را به چشمان یعقوب برمی‌گرداند و باعث مواصلت این دو می‌شود. «بوی پیراهن یوسف از مصر به کنعان رسید و بوی پیراهن حسین از جهان به جنان ... بوی آن، حضرت خیر البشر را در جنان غمناک نمود. هر تاری از آن در نظر صاحب‌نظران بهتر است از هزار هزار پیراهن ماه کنعان؛ زیرا که پیراهن ماه کنعان باعث روشنایی چشم پدر شد و این پیراهن موجب آزادی تمام عاصیان امت پیغمبر آخرالزمان از عذاب نیران است» (همان: ۱۵۰).

۴. **اضطراب و انتظار:** اگرچه نایینی وداع یعقوب و اضطراب دنیا، خواهر یوسف (ع) را صبربرانداز می‌داند، اما به نظر وی آنچه دنیا در خواب دید «خواهر

مظلومه امام حسین علیه السلام در بیداری دید که گرگان کوفه و شام یوسف مصر ولایت را در میان گرفتند و خون او را در زمین کربلا ریختند و پیراهن تن او را ... به خون تن اطهرش آغشتند. دنیا از کنعان به پای شجره الوداع دوید و زینب از خیمه گاه به قربانگاه؛ دنیا یوسف را زنده به عزت می دید و زینب امام حسین را کشته و به خون آغشته» (همان: ۱۱). به انتظار نشستن یعقوب (ع) و دنیا زیر درخت شجره الوداع، نایینی را به یاد زینب (ع) می اندازد که منتظر برگشت برادر از میدان نبرد است، اما سرانجام «اسب غرقه به خون آن حضرت با زین و واژگون از میدان مراجعت [کرد] و اهل بیت غریب ذوالجناح را دیدند و آن شهسوار را ندیدند. این قضیه عظمی از هر خاطری قصه مفارقت دنیا و یعقوب را از یوسف برد» (همان: ۲۵). به این ترتیب نایینی معتقد است با حدیث غم فزای امام حسین و زینب (ع):

نقل یوسف محو شد از هر نظر قصه دنیا نیاید در بیان

(همان: ۲۴)

۵. وداع: در مجلس دوم، هنگامی که برادران می خواهند یوسف را با خود به صحرا ببرند، از گریه یعقوب و یوسف در پای شجره الوداع حاضران همه گریان می شوند (نک: همان: ۸). نایینی در اینجا به یاد وداع امام حسین و علی اکبر (ع) می افتد که از مشاهده وداع این دو «در صحرای کربلا دیده قدسیان، ملائک آسمان و تمامی مقربان خون افشان شد» (همان). نایینی در وصف علی اکبر (ع) می سراید:

بر تمام سروران سرور بود شبه پیغمبر علی اکبر بود
آنکه یوسف وار اندر کربلا از پدر می شد به صد حسرت جدا

(همان: ۹)

۶. ملامت: نایینی در مجلس دهم از گفت و گوی زلیخا با زنان مصر و سرزنش آنان سخن می گوید. ملامت زنان مصر او را به یاد ملامت زنان عرب می اندازد که خدیجه کبری (ع) را گفتند: «درویش تر از این طفل یتیم کسی در قبیله عرب نیست میل تو به او از چیست؟» (همان: ۷۰)؛ و نیز سخنان نصر بن حارث را یاد نایینی می آورد که به سبب اندک بودن جهاز حضرت فاطمه علی (ع) را ملامت کرد. حضرت در جواب فرمود: «که جهاز زهرا حبّ خدا است» (همان). نویسنده پس از چند بیت به اصل مطلب بر می گردد که: «ای عزیزان! ملامت باید کرد آن سگانی را که حق و قدر فاطمه زهرا را

نشناختند. پسران و دختران معصومه آن مظلومه را در کربلا کشتند و اسیر کردند. آه آه ملامت باید کردن آن جماعتی را که دختران آل رسول را اسیروار به مجلس درآوردند» (همان: ۷۱).

۷. طرح قتل: بر طبق نصّ صریح قرآن (یوسف: ۹-۱۰)، نقشه قتل آن حضرت را برادرانش کشیدند و به گواه تاریخ، نقشه شهادت امام را شامیان. انگیزه قتل برادران، محبت پدر بر یوسف (ع) است که موجب حسادت آنان می شود. نایینی به‌خوبی از عهده نمایش این حس برآمده است:

به جهت حرارت هوا تشنگی به یوسف غالب شد روی به روبیل آورد که ای برادر تو از همه بزرگ‌تری و مرا پسرخاله‌ای و هم برادری و پدر مرا به تو سپرده است. به من رحمی کن ... روبیل التفات به سخن او نکرد و طپانچه بر رخسار نازکش زد ... شمعون مشربه را به زمین ریخت و گفت ما داعیه آن داریم که تشنگی خود را به خون حلق تشنه تو تسکین دهیم» (نایینی، بی تا الف: ۱۵-۱۶).

خیانت برادران یوسف، ذهن نایینی را به صحرای کربلا می‌برد:

آورده‌اند که امام حسین علیه‌السلام را در صحرای کربلا چون فوجی از اولاد زنا احاطه نمودند و معلوم آن حضرت شد که امروز روز اطاعت و این کوی، کوی شهادت آن حضرت است ... از هیچ درد و رنجی پروا نداشت ... گفتند که عزیزی مصر ولایت مخصوص توست. از بند الم و زنجیر ستم زندان جهان رو نتابید. گفتند ذبیح کعبه خلّت تویی. به سوی قربانگاه شهادت دوید (همان: ۲۲).

۸. نماز: یکی از واسطه‌های پیوند دو سرگذشت نماز است. در روز نهم محرم امام حسین (ع) از لشکر عمر سعد خواست نبرد را به تعویق بیندازند تا امام و یارانش نماز بخوانند. در قصه یوسف هم وقتی برادران، یوسف را بر سر چاه می‌آورند او «مهلت دو رکعت نماز طلبید ... بعد از نماز روی خود را بر خاک گذاشت و گفت: خداوندا خود را به تو سپردم و زمام امور خود را به قبضه رضای تو گذاشتم» (همان: ۱۷).

۵. واژه‌های ترکیب‌ساز در متن یوسفیه

زبان انسان رمزگونه است؛ یعنی از کلماتی تشکیل می‌شود که به گونه نمادین اندیشه رویدادها و اشیا را در جهان پیرامونمان به ما می‌نمایاند و وقتی در کنار هم قرار گیرند به ما امکان ایجاد ارتباط می‌دهند. رمز نظامی از علامت‌ها و نشانه‌ها است. در خصوص زبان هم، کلمات را نشانه می‌نامیم (داد، ۱۳۸۲: ۳۸۴). در هر متنی شاخص‌های زبانی و واژه‌های نشاننداری را می‌توان یافت که «متن را با بافت‌ها و زیرمتن‌های اجتماعی و فرهنگی پیوند می‌زنند. رابطه معنادار واژگان با ایدئولوژی و قدرت را می‌توان با بررسی بسامد رمزگان‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و دیگر ساختارهای اجتماعی نشان داد. همچنین، شاخص‌هایی که نویسنده برای افراد نهادها به کار برده و بسامد واژه‌های نشاندار در سخن وی نشان‌دهنده پیوند متن با ایدئولوژی هستند» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۶۰). مطالعه بخش‌های منظوم و مثنوی یوسفیه نشان می‌دهد که شش واژه «یوسف»، «زلیخا»، «مصر»، «کربلا» و «کنعان» و «حجاز» در خلق ترکیبات جدید بیشترین بسامد را دارند. بدین ترتیب «نوع رمزگان در لایه واژگانی و نقش آن رمزگان در میزان وابستگی و دل‌سپردگی مؤلف به گفتمان‌های مسلط، نسبت او با ایدئولوژی‌ها و نهادهای قدرت را مشخص می‌کند» (همان: ۲۶۱).

در این بخش، فقط به ترکیباتی اشاره می‌کنیم که به گونه‌ای با دو سرگذشت مرتبط‌اند. نویسنده ترکیب «یوسف مصر رسالت» (ص ۲) و «عزیز مصر نبوت» (ص ۵۵) را برای پیامبر اکرم به کار می‌برد. اما ترکیب «یوسف مصر ولایت»، «یوسف مصر امامت»، «عزیز مصر ربّانی» گاه برای امام حسین (ع) و گاه برای حضرت زین‌العابدین (ع) به کار رفته است. نایینی در متن یوسفیه ترکیبات زیر را برای امام حسین (ع) به کار می‌برد: «یوسف مصر ولایت» (ص ۲۲)، «یوسف مصر امامت» (ص ۹۹)، «یوسف مصر وفا» (ص ۷۵)، «یوسف مصر شهادت» (ص ۶۱)، «پادشاه مصر دین» (ص ۱۳۷)، «یوسف مصر حقیقت» (ص ۱۱۰)، «عزیز مصر ربّانی» (ص ۹۹)، «عزیز مصر جان» (ص ۸۸)، «عزیز مصر ولایت» (ص ۲۲)، «ماه کنعان ولایت» (ص ۶۱)، «پادشاه کربلا» (ص ۱۱۹)، «یوسف آن مصر» (ص ۵۰).

همچنین، مؤلف از امام حسین (ع) با ترکیباتی نظیر «سرکرده اهل بلا» (ص ۱۱۹)، «فرزند شاه لولاک» (ص ۵۳)، «سلطان مظلوم» (ص ۱۰۱)، «شاه دین» (ص ۱۲۰)، «شاه دمشق»

(ص ۲)، «شاه مظلومان» (ص ۴۰)، «سالار ارباب وفا» (مجم، ص ۸۹)، «سرور عشاق» (ص ۱۳۲)، «دره‌التاج شه بدر و حنین» (ص ۶۵)، «قره‌العین شه لولاک» (ص ۶۵)، «مشتری زلیخای شهادت» (ص ۲)، «شه اقلیم جان» (ص ۱۲۶)، «ذبیح کعبه خلّت» (ص ۲۲) یاد می‌کند. اما کاربرد «یوسف اسیر زندان جهان» (ص ۴۱) مختص امام چهارم است. از دیگر ترکیبات درباره امام زین‌العابدین می‌توان به «هلال سپهر ریاضت» (ص ۳۹) و «ماه فلک امامت» (ص ۳۹) اشاره کرد. از حضرت زینب نیز با عنوان «خواهر یوسف مصر ولایت» و «خاتون دنیا» یاد می‌شود (ص ۳۷).

یکی دیگر از ترکیب‌سازترین واژه‌ها در یوسفیه، کلمه «زلیخا» است که نایینی با آن ترکیب‌های مختلفی می‌سازد: «زلیخای شهادت» (ص ۲)، «زلیخای عشق الاهی» (ص ۵۱)، «زلیخای علایق» (ص ۱۰۵)، «زلیخای دنیا» (ص ۹۹). در برخی تعابیر، هسته ترکیب، کلمه «کربلا»، «مصر» و «کنعان» است، مانند: «مصر دین» (ص ۱۳۷)، «مصر حقیقت» (ص ۸۹)، «مصر عصمت» (ص ۷۵)، «مصر جان» (ص ۸۸)، «مصر جانان» (ص ۷۴)، «مصر دولت» (ص ۱۰۵)، «مصر کربلا» (ص ۵۵)، «مصر قرب بی‌نیاز» (ص ۱۳۷)، «مصر قرب دوست» (ص ۱۵۳)، «مصر عزت» (ص ۱۰۵)، «مصر دانایی» (ص ۱۰۹)، «مصر جاه» (ص ۱۵۳)، «منای کربلا» (ص ۲۲)، «کنعان حجاز» (ص ۱۳۷)، «کنعان عشق» (ص ۲)، «ماه کنعان ولایت» (ص ۶۱).

۶. ویژگی‌های ادبی یوسفیه

نایینی با برجسته‌کردن حوادث دو سرگذشت و ربودن خواننده از حال و هوای خود می‌کوشد توجه مخاطب را به زاویه‌ای که خود به موضوع نگریسته جلب کند. استفاده مؤلف در نقل روایت از شیوه‌ای نو، افزودن قول مفسران در لابه‌لای روایت، آمیختن نظم و نثر، به‌کارگیری صناعات ادبی، مثل سجع، تشبیه، مجاز، استعاره و ... تلاش برای ترسیم تصویری تازه با استفاده از نوآوری در تشبیه، از دیگر شگردهایی است که او در تازه‌کردن روایتی که بارها شنیده‌ایم، از آن بهره‌جسته است. سجع از جمله آرایه‌هایی است که در توازن آوایی و آهنگین‌کردن کلام مؤلف بیشترین سهم را دارد. گاه نایینی برای تقویت موسیقی کلام، سجع و تضاد را با هم همراه می‌کند. در این قسمت به چند نمونه اکتفا می‌کنیم: زلیخا گفت: «ای یوسف! چه نیکوست روی تو. گفت: آخر به خاک

پوسیده شود. گفت: چه خوشبوست موی تو. گفت: اول چیزی که ریزیده شود. گفت: سالهاست که در شکنجه مهرت به رنجم. گفت: این رنج از برای چیست؛ گفت: مدت هاست که در وصف جمالت به هر جا سخن سنجم. گفت: دلیل تو در این راه جز هوس نفس و هوا نیست» (همان، بی تا الف: ۵۸). زلیخا گفت: «ناتوانم. توانایی خواهم. نابینایم بینایی طلبم. زشتم طلعت زیبا جویم (همان، بی تا ب: ۸۶). یوسف گفت: «ای زلیخا! گنج و زرت کو؟ گفت: به بهای تو دادم. گفت: حشمت و جلالت چه شد؟ گفت: در سر کوی وفای تو نهادم» (همان: ۸۴).

علاوه بر موسیقی کلام، تأویل های نویسنده گاه بدیع و دلنشین می نماید: «حق تعالی صیاد، یوسف دانه، عشق حق دام. چهل سال زلیخا دانه را دیدی و دام نفهمیدی تا بعد از چهل سال او را به دام گرفتند و آن دام ایمان بود» (همو، بی تا الف: ۶۹). نمونه دیگر را در مجلس نوزدهم شاهدیم. نائینی وقتی به توصیف پیداشدن پیمانۀ عزیز مصر در بار ابن یامین می رسد آن را تفسیر می کند. به نظر وی، این صاع عشق است و در نهاد هر کس یافت شود برگزیده حق می گردد:

حب حق در هر کجا دارد مکان	حق نگیرد هیچ کس را جای آن
حب حق آن صاع بس ارزنده است	آنکه چون آن صاع حق را بنده
بود چون آن صاع در بار حسین	حق گزید او را ز خلق خافقین

(همان: ۱۳۶)

تبیین حب حق در وجود امام حسین (ع) را از زبان نثر نائینی می خوانیم:

بلی، صاعی از ملک، در بار آن بزرگوار نهادند و او [را] فرمان بندگی جاوید گردید. چون از مصر مبدأ پاک رو به منزل خاک آورد از مراجعت خود به سبب آن صاع که در بار داشت خوشنود بود و به اطمینان تمام از ملک علّام باک نداشت و از منزل کربلا روی به مصر قرب عزیز یکتا گذاشت» (همان: ۱۳۲).

اگرچه بسیاری از تشبیهات در متن یوسفیه تکراری است، اما گاه با تعابیر زیبایی مواجه می شویم؛ مانند این بیت درباره امام حسین:

برد او را چون دعای مستجاب سرخرو بالاتر از این نه حجاب

(همان: ۷۴)

یا کاربرد تشبیه بلیغ و کنایه و تناسب مصرع‌ها با هم درخور توجه است:
بهرتر از یوسف به دهر آن سروری است کش زلیخای شهادت مشتری است
ای حسین ای یوسف مصر وفا صد هزاران یوسفت بادا فدا
(همان: ۲)

تو عزیز مصر جان ما مصریان یوسفی یوسف تو ما زندانیان
ما همه جسم آمدیم و جان تویی جان پاکان را همه جانان تویی
(همان: ۸۸)

خون او سرخی عنوان وفا است سرخ‌رویی علی مرتضی است
(همان: ۱۰۱)

در برخی قسمت‌ها کلام نویسنده رنگ تکلف به خود می‌گیرد؛ مانند توصیف ورود یوسف به مصر: «کلاه مذهب مکمل بر سر و قبای مدبج مطرز در بر، زیب از جواهر ثمین یافته و گیسوانش با نور مروارید بافته، دو آویزه یاقوت از گوشش آویخته و طره‌های عنبرینش بر دوش او ریخته» (همان: ۴۴).

۷. برتری امام حسین (ع) در یوسفیه

همچنان که شاعران برای تازه‌کردن تشبیهات تکراری از تشبیه تفضیل بهره جسته‌اند، نایینی نیز برای تازگی بخشیدن به متن از «رجحان مشبه بر مشبه‌به»، که قاعده تشبیه تفضیل است، مدد می‌گیرد:

بهرتر از یوسف حسین است آنکه گفت تحفه درگاه جانان جان خوش است
(همان: ۹۱)

نایینی وقتی درباره اسرای واقعه کربلا سخن می‌گوید می‌نویسد: «سالار آنها صدیقی است که یوسف را آرزوی غلامی اوست» (همان: ۳۹). عشق نایینی به شخصیت پرجاذبه امام حسین (ع) سبب شده است صبر و جزای ایوب (ع) با امام مقایسه کند:

ایوب پیمانۀ بلا پی در پی چون او نکشیدی. یعقوب یوسف خود را در برابر خود کشته ندید ... یعقوب پسرش در آغوشش تیر نخورد. ایوب در غربت گرفتار صد هزار دشمن خون‌خوار نشد. یعقوب در محنت و بلیت رو به لشکر

بلا و ابتلا نمود. اما جزای آن حضرت جزایی است که حق سبحانه و تعالی به

وقایع کربلا در یوسفیه حاج میرزا هادی نایینی / ۶۵

هیچ یک از اهل بلا نداد و این نوع از درهای عنایت بر روی کسی از ارباب وفا نگشود و میرآبی چشمه سار کوثر و تسنیمش در عوض تشنگی فرات دادند و در شهادت مفاتیح خزانه سعادت و شفاعت امت در دستش نهاد» (همان، بی تا ب: ۹۰).

نایینی در مجلس نوزدهم نیز با بیانی دیگر سالار کربلا را با پیامبران پیشین مقایسه می کند:

تا حضرت موسی صحرا ندید فرعون از محبت او به دریای نیل غرق نگردید؛
و تا حضرت عیسی را جفای یهود نرسید ... مقام روح الاهی را ندید؛ ابراهیم تا
پسر را به قربانگاه نبرد لذت از شهد خلّت نیافت؛ و اسماعیل تا سر به کمند
اطاعت نهاد آفتاب جهان تاب قربت به او نتافت. اسحاق از ارادت صاحب نام
ذبیح اللهی گردید؛ و یعقوب از عزلت به درجه آگاهی رسید؛ و از مصابرت
یوسف را عزیز مصر کردند ...

بهرتر از آنها عزیز مصطفی است سرور عشاق شاه کربلا است
آنکه بعد از ابتلا و رنجها یافت در ویرانه دل گنجها
(همان: بی تا الف: ۱۳۲)

نایینی در یوسفیه، امام حسین (ع) را «جلوه حسن خدایی» می داند:
جلوه حسن خدایی در حسین هست ظاهر بر تمام خافقین
...

پرتوی زان حسن بر صدیق تافت بر کمال عصمت او توفیق یافت
(همان: ۴۵)

نایینی در اثر خود از این هم فراتر می رود و مختار ثقفی را نیز، که از کین خواهان
واقعۀ عاشورا بود، برتر از یوسف (ع) جلوه می دهد:

در نزد هر که مدرکش از عقل برتر است مختار او ز یوسف صدیق بهتر است
یوسف عزیز مصر شد و کامیاب دهر مختار را به مصر جنان تاج بر سر است
(همان: ۴۳)

خداوند متعال در قرآن کریم بندگان خود را از غلو در دین برحذر می‌دارد و می‌فرماید: «بگوئید ما به خدا و آیاتی که بر ما نازل شده ... ایمان آورده‌ایم. میان هیچ یک از پیامبران فرقی نمی‌نهییم و همه در برابر خدا تسلیم هستیم» (بقره: ۱۳۶). گرچه رشادت‌ها و جان‌فشانی‌های مختار ثقفی در خون‌خواهی شهدای کربلا بر ما پوشیده نیست اما برترنهادن مختار بر یوسف (ع)، که شأن پیامبری دارد و معصوم است، در شمار مبالغه‌های باردی است که نه تنها مقبول نظر شیعیان نیست بلکه با رعایت انصاف در داوری منافات دارد.

صرف نظر از تعصب ناپیینی، ذوق ادبی وی در خور تحسین است. نمونه‌های زیر از آن جمله است:

«یوسف صورتِ حُسنِ الاهی بود. هر که دید زر داد؛ و حسین معنای آن حسن غیرمتناهی؛ هر که دید سر داد» (نایینی، بی تا الف: ۴۴).

جان بهای آن امام رهبر است	گر بهای یوسف مصری زر است
راست گویم من بهای او خداست	بهرتر از جان آن شه دین را بهاست

(همان: ۴۶)

«چون امام حسین وارد زمین کربلا گردید و بازار شهادت را رونقی تمام داد خود، یوسف صفت بر بساط نشست که حسن خود را به مشتریان نماید. هفتاد و دو تن از مردان کار، که صاحب دولت قرب کردگار بودند، هر یک با خزان علم و عرفان و دفائن عشق و ایمان نقد جان بر کف خریدار شدند و مشتری باز آمدند» (همان: ۵۱). تصویر لحظه شهادت امام، با پیوندهایی از قصه یوسف، از جمله قسمت‌های هنری یوسفیه است:

در خبر است که چون یوسف مصر امامت و شهادت ... به بارگاه قرب ملک دیان می‌شد ساقی بزم رسالت روح‌الامین نزد او شد که ملک تعالی تو را سلام می‌رساند که ای یوسف مصر ولایت که گرگان کوفه و شام پیراهن تو را دور از پدر به خون تو رنگین کردند و تو را به دراهم معدود به معرض بیع درآوردند به مراودت زلیخای دنیا دامن عصمت را از دست ندادی و زندان دنیا را از غضب رحمان ترجیح دادی از زندان هجران برای و به بارگاه ملک دیان درآی که عزیزی مصر دولت سرمدی را به تو مفوض دادیم ... پس ملائک و

روحانیان و کروبیان ملأ اعلی و قدوسیان عالم بالا آن یوسف زندانی و عزیز مصر ربّانی را دست به دست به ایوان ملک دیّان بردند و عرش عظیم را به آن کرسی نشین زینت دادند، چنانچه ... آن حضرت علیه السلام در جانب عرش ایستاده و نظر می کند به شیعیان و ذاکران و زائران و راثیان خود (همان: ۹۹).

کلام نایینی در بیان تفاوت نزول یوسف (ع) به مصر و امام حسین (ع) به کربلا نیز زیبا است: «مصر از نزول یوسف به خود بالید و کربلا از نزول امام حسین (ع) نالید. نالیدن و بالیدن هر دو بجا بود. بالیدن آن بجا بود که یوسف عزیز آن دیار گردید و نالیدن این بجا بود که فرزند شاخ لولاک بر روی خاک آن وادی در خون غلتید» (همان: ۵۳). بیان تفاوت بین رفق و مرحمت یوسف (ع) و امام حسین نیز خواندنی است. یوسف با نزول خود ساکنان آن سرزمین را به بندگی خرید اما امام حسین (ع) خلقی از اهل عالم را از آتش دوزخ آزاد کرد: «یوسف مردمان مصر را به نان خرید و همه را سرخط آزادی بخشید. امام حسین تمام شیعیان را به نقد جان مشتری گردید و برات آزادی از آتش جهنم از او به ایشان رسید» (همان: ۶۶). حتی امام هنگام شهادت «در حق عاصیان امت جدّ خود دعا می کرد» (همان).

نایینی در بیان لزوم گریه بر سالار شهیدان می نویسد:

چون از وساوس آن لعین، دشمنان دین در صحرائ کربلا متوجه امر قتل ... امام حسین (ع) شدند اول آن مایه فساد جهان خندان و آخر گریان شد به سبب زیادتی قدر منزلت آن حضرت ... پس بر شیعیان و موالیان لازم است که در مصیبت آن حضرت تا توانند مراسم گریه و زاری به عمل آورند تا روز قیامت ابلیس گریان و ایشان خندان باشند (همان: ۶۱-۶۲).

گریه کردن بر تو عین قربت است قربت تو قرب رب العزّة است
(همان: ۱۲۶)

۸. مقایسه حضرت یوسف (ع) و امام زین العابدین (ع)

امام زین العابدین (ع) یکی از شخصیت هایی است که مؤلف، ایشان را با حضرت یوسف (ع) مقایسه می کند. از نظر نایینی: «فرق میان یوسف صدیق و امام زین العابدین

آن بود که یوسف را برادران به هجر پدر مبتلا ساختند ... و جفاجوی او در هر باب شدند و امام زین‌العابدین را ... به داغ پدر مبتلا کردند. بند گران بر بازویش بستند و تن اطهرش را به ضرب تازیانه و ... خستند. سر پدر نامورش را به سر نیزه مخالفان می‌دید و خون دل از دیده می‌بارید» (همان: ۱۵). به نظر نایینی، فرق میان حضرت یوسف و امام زین‌العابدین (ع) بسیار است: «یوسف را چو از پدر جدا کردند او را به دراهم معدود فروختند و امام زین‌العابدین علیه‌السلام بعد از آنکه پدر و برادرانش را و اقارب و یاران را تمام به درجه شهادت رسانیدند و در آتش داغ سوزان زنجیر ستم بر دست و بازو و گردن بستند یوسف (ع) را به زندان مصر بردند و امام زین‌العابدین (ع) را به زندان شام» (همان: ۳۳). یوسف (ع) در مصر به عزت رسید، اما در شام یزید حکم به قتل امام داد (همان: ۳۵). نایینی در بخشی دیگر می‌نویسد: «و زیادتر بود از درد و الم یوسف (ع) درد و الم زین‌العابدین (ع)، در روزی که آن حضرت را با غل و زنجیر بر شتر برهنه سوار کرده بودند و ... به نوک نیزه بدن اطهرش می‌آزدند» (همان: ۳۲). مشاهده اسیری امام زین‌العابدین شورشی در میان خلق برپا کرد که هزار مرتبه افزون بود از شورشی که در مصر از مشاهده یوسف (ع) در میان خلق افتاد (همان: ۸۰).

۹. مقایسه حضرت عباس با ابن‌یامین

از دیگر شخصیت‌هایی که نایینی به آنها توجه داشته حضرت ابوالفضل (ع) است. اگرچه نایینی علمدار کربلا را ابن‌یامین امام حسین (ع) قلمداد می‌کند، اما خود می‌داند که ابن‌یامین را نمی‌توان هم‌شان حضرت عباس دانست. ابن‌یامین فقط به یاد یوسف بود، اما عباس جانش را نثار برادر کرد (نک: همان: ۱۲۷). نایینی، در اثر خود، به اختصار، به جان‌فشانی آن حضرت اشاره می‌کند:

دیده هرگز دیده‌ای در روزگار
سرور سالار مظلومان حسین
ابن یامین کو که چون او مرد کار
یوسف او بود فخر خاقین

(همان: ۱۲۸)

به تطبیق دادن دنیا، خواهر یوسف (ع)، و حضرت زینب هم به هنگام بحث از واسطه‌های پیوند دو داستان اشاره کردیم.

۱۰. حضور جبرئیل در دو روایت

در سرگذشت حضرت یوسف (ع) حضور مستقیم جبرئیل را هفده بار می‌بینیم که از جانب خدا خبر می‌آورد و یوسف (ع) را راهنمایی می‌کند و به او آرامش می‌بخشد و خلاصه در انجام آنچه بر آن حضرت مقدر شده یاری می‌کند. در مجلس چهارم، جبرئیل در چاه به صورت یعقوب (ع) و در مجلس یازدهم به هیئت جوانی خوش‌سیما بر یوسف (ع) ظاهر می‌شود و او شگفت‌زده می‌پرسد: «ای جوهری بازار عصمت! در میان مجرمان به چه کار آمدی» (همان: ۸۵). در سایر عبارات سخنی از تمثیل بر صورت دیگری نیست. گاه روحانیان عالم بالا نیز در کنار جبرئیل حضور دارند. برای نمونه، وقتی یوسف، در چاه، خیانت برادران را تعریف می‌کند جبرئیل با ملکوت اعلا و ساکنان صوامع می‌گیرند (مجلس چهارم). در مجلس ششم و هفتم، فرشته‌ها و فوجی از ملائکه یوسف را همراهی می‌کنند و حافظ او هستند. در روایت واقعه کربلا حضور جبرئیل و هفت ملک را کمتر از قصه یوسف (ع) شاهدیم: دادن خبر شهادت امام حسن (ع) و امام حسین (ع) به حضرت رسول در مجلس اول (همان: ۳)؛ در مجلس سوم هنگام وداع حضرت علی‌اکبر با امام حسین (ع) از سیلاب اشک بر دیده‌های امام، ملائک هفت آسمان گریستند (همان: ۱۴) در لحظه شهادت امام حسین (ع) جبرئیل به حرمت آن حضرت، همراه ساکنان عالم ملکوت و ارواح انبیا و اولیا حضور دارد (همان: ۹۹).

۱۱. نمونه‌هایی از تعلیم نایینی به مخاطب

مؤلف در اثر خود هر جا فرصتی می‌یابد، بنا به اقتضای کلام، مخاطب را تعلیم می‌دهد. در این بخش، به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم: «ای عزیز! بدان که خودبینی سبب حرمان است. ابلیس به عبادت خودبین شد، رجمش کردند؛ آدم به ولایت مغرور شد معزولش کردند و ...» (همان: ۵۲). «دشمن هر یکی از بنی آدم نفس اوست ... ای عزیز! هوشیار کار باش که تو را دشمن نفس به شمشیر شهوت نکشد و به خاک مذلت نکشد. از او نشانی می‌گویم تا او را بشناسی ... او جسمی لطیف و صاحب خصلت‌های کثیف، سرش از نخوت است، پایش از حرص، نهادش از غفلت و ... دستش از جرئت خیانت، چشمش از زنا و شهوت، شکمش از حرام و شبهت. اجزای خود را با اجزای وجود تو ترکیب دهد و تو را به دست بسپارد که به هر جا که خواهد برود» (نایینی، بی‌تا ب: ۹۱).

«حذر کن از نفرین مظلوم و گریهٔ یتیم، به‌درستی که اینها بلند می‌شوند به عرش به یک چشم بر هم زدن» (همو، بی‌تا الف: ۳۳). «بدان که دعا را دو پَر است؛ خوردن مال حلال و زبان‌بستن از غیبت اهل حال» (همان: ۷۵).

نتیجه

با توجه به آنچه گذشت، از مطالعهٔ متن یوسفیه، اثر حاج میرزا هادی نایینی، می‌توان نتیجه گرفت که وی با گزینش قصهٔ یوسف (ع) از میان قصص قرآن، که احسن القصص است و عبرت‌های فراوانی در بر دارد، بر جذابیت متن افزوده است. او در شمار محدود گویندگانی است که با انطباق دو سرگذشتی که از نظر زمانی قرن‌ها با هم فاصله دارند در مرثیه‌گویی طرحی نو در انداخته است. شیوهٔ نقل روایت، بهره‌گیری از آرایه‌های ادبی، استفاده از آیات و احادیث به اقتضای کلام، متن را از یکنواختی درآورده است. نایینی به اصل قصهٔ یوسف و وقایع کربلا پای‌بند است. او با یافتن وجوه مشترک یا تفاوت‌هایی که دو قصه را به هم پیوند دهد، نقل روایت را پیش می‌برد. استدلال‌های ذوقی و هنری وی در بازگویی دو روایت گاه هنرمندانه است. سورهٔ یوسف بیان حسن و حزن و عشق است، اما روایت کربلا سراپا شور و عشق است. نایینی کوشیده است مخاطب خود را از دریچهٔ ذوق ادبی به واکاوی حماسهٔ جاودانهٔ تاریخ ترغیب کند، اما گاه شیفتگی‌های افراطی، وی را از اعتدال در توصیف باز می‌دارد. مقایسهٔ شخصیت‌های دو سرگذشت، نه فقط در نثر بلکه در نظم نیز صورت می‌گیرد. جاذبهٔ برخی مرثیه‌های نایینی دربارهٔ امام حسین (ع) و یارانش می‌تواند توجه مرثیه‌خوانان را به خود جلب کند. اگرچه سروده‌های نایینی را نمی‌توان در ردیف مرثیه‌های طراز اول به شمار آورد، اما به هر حال در بررسی سیر تطور مرثیه‌سرایی، یوسفیه یکی از متون شایان توجه است.

پی‌نوشت‌ها

۱. فراء بغوی از مفسران و محدثان مذهب شافعی بود. آثار فراوانی به او نسبت داده‌اند؛ معالم التنزیل یا تفسیر بغوی در تفسیر و مصابیح السنه در حدیث معروف است (نک: ابن خلکان، ۲۰۰۵: ۱۳۶/۲-۱۳۷).

وقایع کربلا در یوسفیه حاج میرزا هادی نایینی / ۷۱

۳. عابس بن شیب همدانی از یاران امام حسین (ع) بود. هنگامی که امام خواست نماز ظهر عاشورا را اقامه کند وی مقابل آن حضرت ایستاد و بدن خویش را سپر تیرهای بلا کرد. برای مطالعه بیشتر، نک: ابن الاثیر، ۱۹۶۵: ۷۳/۴؛ سماوی، ۱۳۷۹: ۲۰۸-۲۱۲.

Archive of SID

منابع

قرآن کریم.

ابن الاثیر، علی بن محمد (۱۹۶۵). *کامل التواریخ*، تصحیح: کارل یوهانس تورنبرگ، بیروت: دار صادر، ج ۴.

ابن خلکان، ابوالعباس شمس‌الدین احمد بن ابی بکر (۲۰۰۵). *وفیات الاعیان*، تصحیح: احسان عباس، بیروت: دار صادر، الطبعة الرابعة، ج ۲.

امامی، نصرالله (۱۳۶۹). *مرثیه‌سرایی در ادبیات فارسی ایران*، اهواز: انتشارات دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی.

آرین‌پور، یحیی (۱۳۷۲). *از صبا تا نیما*، تهران: انتشارات زوار، ج ۱.

بقایی نایینی، جلال (۱۳۶۱). *تذکره سخنوران نایین*، بی‌جا: انتشارات فرهنگ ایران زمین.

جامی، عبدالرحمن بن احمد (۱۳۸۵). *مثنوی هفت اورنگ*، تصحیح: مرتضی مدرس گیلانی، تهران: انتشارات اهورا.

حاج منوچهری، فرامرز (۱۳۹۱). «حسین (ع)، امام (کتاب‌شناسی)»، در: *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، تهران: انتشارات دایرةالمعارف اسلامی، ج ۲۰.

حسینی اشکوری، سید جعفر (۱۳۸۸). *فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه مجلس شورای ملی*، تهران: انتشارات مجلس، چاپ اول، ج ۲۸.

داد، سیما (۱۳۸۲). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، تهران: انتشارات مروارید.

دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۵۷). *یوسفیه: فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱۶.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲). *لغت‌نامه*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

رزمجو، حسین (۱۳۷۲). *انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی*، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

رستگار فسایی، منصور (۱۳۷۳). *انواع شعر فارسی*، شیراز: انتشارات نوید شیراز.

سماوی، شیخ محمد (۱۳۷۹). *ابصار العین فی انصار الحسین*، ترجمه: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم: دفتر نشر نوید اسلام.

طباطبایی نایینی، میرزا سید حسین (۱۳۸۸). *تذکره ثمر اصفهانی*، تصحیح: سعید انوری و سید محمدهادی گرامی، بی‌جا: میراث بهارستان.

الطهرانی، آقابزرگ (۱۳۵۷). *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، تنقیح: دکتر علی‌نقی منزوی، تهران: کتاب‌خانه اسلامی، ج ۲۵.

فتوحی رودمجنی، محمود (۱۳۹۱). *سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*، تهران: انتشارات سخن. لوح فشردهٔ درج، ویراست سوم، تهران: مؤسسه مهر ارقام رایانه.

وقایع کربلا در یوسفیه حاج میرزا هادی نایینی / ۷۳

نایینی، حاج میرزا هادی (بی تا الف). یوسفیه، تهران، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه خطی،
ش ۵۷۶۴.

نایینی، حاج میرزا هادی (بی تا ب). یوسفیه، تهران، کتابخانه مجلس، نسخه خطی، ش ۸۷۲۲.

Archive of SID